



بی‌خانمانی «به عنوان نشانگان بلای شهرنشینی»

گروه‌های جدید مهاجر که مشتاق ملحق شدن به نیروی کار در سرزمین فرصت‌ها بودند کوشش شد تا کارگران به افراد مطیع تبدیل شوند و دستمزدهایشان پایین نگه داشته شود. در این شرایط، صاحبان قدرت سیاسی بیش از هر چیز نسبت به منافع کسانی که به تأمین مالی فعالیت‌هایشان کمک می‌کنند حساسیت دارند. نخستین قاعده تجارت برای رئیس جمهور امریکا هموار کردن راه برای ایجاد "جو اعتماد تجاری" است و معاون خزانه‌داری در این مورد شدیداً جانب آنها را می‌گیرد. سرمایه، که همواره به صورت اندوخته در معرض تهدید از دست دادن پول است، چه به صورت افزایش آهسته درآمدها، چه با عقب‌نشینی و تعیین مسیر مجدد، باید مشارکت خود را در مخارج اجتماعی محدود کند.

ایجاد جو اعتماد تجاری

در بافت اجتماعی منافع افراد محروم از حق رأی چندان در نظر گرفته نمی‌شود مگر آنجا که به عنوان نشانگان ناخوشایند مصیبت شهرنشینی ظاهر شوند که از آن نیز تحت عنوان سخاوتمندی داوطلبانه روحیه امریکایی یاد می‌شود، همان چیزی که جورج بوش، رئیس جمهور اسبق امریکا، آن را «هزاران نشانه روشن» می‌نامید.

در واقع در جامعه امریکا بی‌توجهی آشکاری به حس مسئولیت‌پذیری شهروندی به چشم می‌خورد، که نخستین بار در سده نوزدهم الکسی دوتو کوپل، مورخ فرانسوی، بدان اشاره کرد. همین ویژگی دولت را قادر می‌سازد که از بسیاری از نقش‌ها که در اروپا برعهده سازمان‌های غیرانتفاعی و یا مذهبی است، چه به صورت بیمارستان‌ها، غذاخوری‌های خیریه، یا نوانخانه‌ها - به عنوان همیاری مختلط - شانه خالی کند. اما شبکه تأمین با اصلاحات اخیر مربوط به رفاه اجتماعی تماماً نشان از آن دارد که در حال از هم‌گسیختگی است، چون با محدودیتی دوساله در استفاده از رفاه اجتماعی همراه است و در نتیجه بسیاری از کودکان با خطرگرسیگی مواجه‌اند.

کمتز سیاستمداری برای کسب وجهه ملی به عنوان هوادار فقرا پا به میدان می‌گذارد. یکی از آنها جری براون، فرماندار سابق ایالت کالیفرنیا است که دوبار نامزد ریاست جمهوری شد. او بیشتر وقت خود در دهه پیش را صرف ساختار شکنی فرضیه‌های مسلم در برنامه‌ریزی

سیاست امریکایی، مثل نیاز به قطع رفاه اجتماعی و ایجاد اشتغال کرد. جری براون با سرسختی در برنامه رادیویی خود "ما مردم اعلام کرد: «ما به رفاه اجتماعی بیشتر و شغل کمتر نیاز داریم.» براون به این نکته اشاره کرد که بهره‌برداری از دستگاه‌های خودکار قطعاً سبب کاهش اشتغال می‌شود و امریکا نیاز به «نظام حفظ درآمد» دارد تا حقوق اساسی مثل غذا، مسکن، آموزش مراقبت‌های پزشکی را برای همه تضمین کند.

براون اکنون در سمت جدید خود در مقام شهردار اوکلند کار می‌کند، یک شهرداری در هم ریخته در کنار خلیج سانفرانسیسکو با جمعیت زیاد سیاهپوست که هیچ بهره‌ای از ثروت کلانی که در دره سیلیکون به وفور یافت می‌شود نبرده‌اند. اوکلند شهری بسیار بی‌رونق است، سوپر مارکتی در آن جا به چشم نمی‌خورد و بسیاری از مردم، که به خاطر فقر بیش از حد اتومبیل ندارند، مجبورند برای خرید ضروری‌ترین نیازهای خانه با اتوبوس به سفری دو ساعته بروند.

ولی براون، در نخستین روزهای تصدی خود، توجه خود را نه به برنامه‌های اجتماعی بلکه به گشت زنی پلیس‌ها در محله‌های متروک جنوب شهر معطوف کرد، با این امید که اجاره‌نشینان جدیدی را برای سکونت در آسمان‌خراش‌های خالی، تشویق کند. دستور کار امروز او این است: امن کردن اوکلند برای تجارت. ویکی‌ال‌بیوت خبرنگار پیام یونسکو در سانفرانسیسکو.

بخش‌های تاریک روشن تونس

UNDP مبارزه تونس را با فقر سرمشقی برای دیگر کشورهای عرب خوانده است، دولت تونس در این راه تلاش فراوانی کرده است.

چند ماه بعد از اینکه کار انجام شد، مرد فقیر اولین صورت‌حساب‌ها را دریافت کرد. اما چون بی‌سواد بود همه را دور انداخت. مأمور شرکت برق به در خانه او آمد: تو آدم ناسپاسی هستی! چرا صورت‌حسابت را پرداخت نکرده‌ای؟ مرد فقیر پاسخ داد: برای چی؟ من که پولدارتر از قبل نشده‌ام. تازه من فکر می‌کردم ۲۷-۲۷ خودش صورت‌حساب را هم خواهد پرداخت!

این لطفه که در تونس بر سرزبان‌ها است به خوبی

مردی فقیر و آواره و تنها در محله‌ای که دولت تونس آن را "بخش تاریک روشن" - منطقه‌ای دورافتاده و محنت زده می‌نامد زندگی می‌کرد. روزی رئیس جمهور بن علی به دیدار او رفت و قول داد که به زودی به وسیله ۲۶-۲۶ دارای خانه‌ای آبرومند و آب و برق خواهد شد. این عدد، شماره حساب پستی صندوق همکاری بین‌المللی (FSN) است که در اواخر ۱۹۹۲ تأسیس شد تونس‌ها صندوق را به آن اسم می‌شناسند.

می‌کنند؛ *FSN* در عرض شش سال حدود ۳۵۰ میلیون دلار برای توسعه ۹۲۸ "بخش تاریک و روشن" هزینه کرده است. برنامه اسکان شهری و روستایی نیز در دست اجراست. این همه با ابتکار بانک همکاری تونس (*BTS*) در اواخر ۱۹۹۷ تکمیل شد. این بانک در ۱۹۹۸ اعطای وام‌های کم بهره (پنج درصد) به ۷۳۰۰ شغل کوچک را تضمین کرد. عبداللطیف سادم رئیس بانک و *CEO* می‌گوید، "امروز اولویت با تشویق سرمایه‌گذاری است." دولت تلاش فراوانی می‌کند. بعضی از مردم معتقدند این تلاش ناکافی؛ همیشه هم برای انجام بهترین نیست.

مبارزه با فقر بر مناطق روستایی متمرکز شده است در حالی که دو سوم افراد فقیر تونسی در شهرها به سر می‌برند.

یک مؤسسه پژوهش تونس در ۱۹۹۶ با انجام مطالعه‌ای گزارش داد که ابهام در راهبردهای تخصیص کمک همگانی منجر به بی‌عدالتی‌هایی شده است. یک پنجم مددجویان *PNAFNS* بالای خط فقر زندگی می‌کنند در حالی که فهرست انتظار خانواده‌های فقیرتر روز به روز طولانی‌تر می‌شود.

آمار نشان می‌دهد کارمندان وزارت کشور و هسته‌های حزب حاکم در روند انتخابات دخالت می‌کنند. تمرکز مبارزه با فقر بر مناطق روستایی است ولی دو سوم فقرای تونس در شهرها زندگی می‌کنند. حومه شهرها از جمله شهر *Hay Ettadhamen* که بزرگترین اقامتگاه آلونک‌نشینان کشور است جزو "بخش‌های تاریک روشن" طبقه‌بندی نشده است، سی درصد از جمعیتی که در اردوگاه پیشین بنیادگرایان اسلامی زندگی می‌کنند زیر خط فقر به سر می‌برند.

فرصتی برای سروسامان بخشیدن به جامعه شهری

متخصصان به مسئله سومی نیز اشاره می‌کنند: برنامه‌های دولت در خصوص فقرا و جوانان روستایی می‌تواند بهتر عمل می‌کند. مثلاً تنها ۴/۸ درصد از بدهکاران *BTS* بی‌سوادند در حالی که یک سوم تونسی‌ها قادر به خواندن و نوشتن نیستند. محبوب می‌گوید: "سیاست حمایت کلی از مشاغل کوچک و بخش خصوصی در آینده حتی ضروری‌تر خواهد بود." به ویژه از زمانی که تونس اقدام به ارتقای سطح صنایع تولیدی خود کرده است تا برای تجارت آزاد سازگار با اتحادیه اروپا آماده شود که این احتمالاً به افزایش بیکاری و کاهش درآمدها منجر خواهد شد. جوانان روستایی که ترک تحصیل کرده‌اند امکان کمی برای پیشرفت دارند. جوان‌ها خانه‌های دولتی را که نظارت شدیدی بر آنها حاکم است ترک می‌کنند. بزهکاری هنوز یک تابو محسوب می‌شود، بنابراین کسی با آن سروکار ندارد، ولی فروش قاچاق مشروبات الکلی، خرید و فروش حشیش، فحشا، باندهای مهاجرت غیرقانونی، دزدی و دیگر جرائم جزئی که نوعی کسب و کار محسوب می‌شوند روبه فزونی است.

دولت اکنون تشخیص داده است که به تنهایی نمی‌تواند در همه جبهه‌ها با فقر مبارزه کند. از نظر تونسی‌ها برای کمک به سرمایه‌گذاری باید از راه ایجاد ارتباط و اجتماع بین شرکت‌ها و ادارات دولتی اقدام کرد. بنیادهای دولتی خواهان شراکت در سایر زمینه‌ها از جمله تشکیلات غیردولتی نیز هستند. اما شرکت‌های توسعه اندک و دور

نشان‌دهنده اوضاع است. اولیای امور بسیار تلاش کردند تا به محرومان جامعه کمک کنند. اما کار بیشتری باید انجام می‌گرفت تا آنها را به رفاه اقتصادی برساند و از چندین دهه پدرسالاری و وابستگی به کمک دیگری جدا سازد. اگر در کشوری تشکیلات رفاه اجتماعی و دستگیری از بینوایان معنی داشته باشد آن کشور تونس است. از زمان استقلال در ۱۹۵۶ دولت همواره از یک خط‌مشی اجتماعی نیرومند حمایت کرده است. ابتدا این خط‌مشی بخشی از رویکرد سوسیالیستی رئیس‌جمهور حبیب بورقیبه بود. امروز نیز جزو ارکان سیاست نظم و قانون رئیس‌جمهور زین‌العابدین بن علی است که بعد از پیشرفت مسلمانان بنیادگرا در اواخر دهه ۱۹۸۰ تقویت شد. کامل حاج ساسی، دبیر دولت که *FSN* را نیز اداره می‌کند می‌گوید: "ثبات اجتماعی وابسته به امنیت است." در نتیجه آزادسازی اقتصادی با فعالیت‌های شدید ضد فقر همراه شده است. بانک جهانی گزارش می‌دهد "در اواسط دوره تعدیل از ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۳ هزینه سرانه اجتماعی دولت تا چهارده درصد افزایش یافت." نتیجه کاملاً مشهود است. اعظم محبوب اقتصاددان تونسی می‌گوید، "با وجود شوک آزادسازی و بیکاری فزاینده از ۱۹۷۰ میزان فقر کاملاً کاهش پیدا کرده است، گرچه این کاهش در ۱۹۸۵ به ویژه در شهرها کند شد." برنامه توسعه سازمان ملل متحد (*UNDP*) نشان می‌دهد درصد مردمی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند (در شهرها نهایتاً یک دلار در روز برای هر نفر و در روستاها نصف آن) از ۳۲ درصد در ۱۹۷۲ به ۶/۲ درصد در ۱۹۹۵ تنزل یافت. اما ارگان بین‌المللی کار (*ILO*) گزارش می‌دهد که در حدود نه میلیون تونسی هنوز "آسیب‌پذیر" اند. به عقیده مونگی لایب از وزارت توسعه اقتصاد به نظر می‌رسد خدمات اجتماعی - برابر با صدوپنجاه دلار هر نفر در ماه - مانع بدتر شدن وضع آنان می‌شود.

نیازمندترین افراد تونس از جیره‌ای روزانه بهره می‌برند. ۱۱۲۰۰۰ خانواده روزانه یک دلار کمک هزینه از برنامه بین‌المللی کمک به خانواده‌های محتاج (*PNAFN*) دریافت می‌کنند. افزون بر ۸۰۰۰۰۰ نفر به کمک‌های پزشکی دسترسی دارند. نزدیک نیم میلیون دانش‌آموز دوره ابتدایی هر سال بعد از تعطیلات تابستانی، هنگام بازگشت به مدرسه کمک هزینه دریافت

در سال ۱۹۹۸ هزینه مصرف

کالا و خدمات در جهان بالغ بر

۲۴۰ تریلیون دلار شد که این میزان دو برابر

سال ۱۹۷۵ و شش برابر ۱۹۵۰ است

اما ۸۶٪ از کل این مبلغ را ۲۰٪ مردم جهان

می‌پردازند. در هفتاد کشور با جمعیت

نزدیک به یک میلیارد نفر،

میزان مصرف پایین‌تر از

میزان مصرفی بیست سال پیش است.

کارگاه چرم در یک اردوگاه بازپروری کودکان در تونس



از دسترس‌اند. هندوگسی می‌گوید: "این شرکت‌ها غیرحرفه‌ای‌اند و همیشه هم از حمایت مسئولان برخوردار نیستند" بسیاری از صاحب‌منصبان خواهان کنترل مردم هستند و معتقدند، جامعه شهری از ابتدا علیه دولت هدف‌گیری شده است.

در شهر *Hay Ettadhamen* سازمان مستقل غیردولتی "عندا" بین‌اعراب خلاف این را ثابت کرد. این گروه مرکزی به نام فضای ۲۱ دایر کرده است که وام‌های کوچک و میزان وسیعی کار و خدمات ارائه می‌کند. در مدت سه سال این مرکز بودجه ۱۰۰۰ شغل کوچک را که بیشتر آنها فروشگاه‌های کوچک بودند تامین کرد. با وجود شرایط آسان، دولت در جمع‌آوری وام‌های پرداخت شده دچار مشکل است، در حالی که عندا با اعطای وام‌هایی با سود

۱۷ درصد؛ در حدود ۹۸ درصد بازپرداخت دارد. فضای ۲۱ یک مرکز بازپروری و تربیت جوانان محروم نیز محسوب می‌شود. اسامین حامد رئیس مرکز می‌گوید: "بسیاری از افراد برنامه‌های آموزشی ما را ترک می‌کنند زیرا (داد و ستد غیرقانونی) و کسب راحت پول را ترجیح می‌دهند. در حالی که در اینجا پس از چند ماه حداقل زندگی قانونمند در جامعه را فرا می‌گیرند."

به عقیدهٔ محبوب فعالیت *Enda* و دیگر تشکلهای نشان می‌دهد که "دولت اگر به جامعه شهری سروسامانی می‌داد، به عبارت دیگر جامعه و زندگی مردم را دمکراتیزه می‌کرد می‌توانست بهتر عمل کند."

سوفی بخاری

فروپاشی پر مخاطرهٔ بلوک شرق

عمر نومان*

وقتی که فقر به صورتی هولناک به منطقه‌ای بازگردد تکلیف دولت چیست؟

روسیه بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴ میزان امید به زندگی از ۶۴/۲ به ۵۷/۶ تنزل کرده است که پایین‌تر از مصر، هندوستان و بولیوی است. ابتلا به سفلیس، سل و ایدز به طور محسوسی بیشتر شده است. نظامی که به دارا بودن سطح سواد نزدیک به سطح بین‌المللی افتخار می‌کرد، درگیر افت شدیدی در این زمینه شده است. در کشورهای آسیای مرکزی فقر خانواده‌ها به مانعی جدی برای حضور در مدرسه تبدیل شده است، و تحقیقات در چندین کشور نشانگر پدیدار شدن خطر مداوم بی‌سوادی بین گروه‌هایی خاص است. در روند فروپاشی افراد زیادی آسیب دیده‌اند.

نوسان بین تغییرات تدریجی و یا یکباره

کودکان نیز به دلیل کاهش کمک هزینه‌ها مانند دیگر اقشار آسیب دیده‌اند. در فدراسیون روسیه میزان فقر بین افراد زیر پانزده سال ۴۶ درصد و قابل مقایسه بود با ۳۵٪ برای بزرگسالان بین ۳۱ تا ۶۰ ساله و ۲۲ درصد برای مستمری بگیران. با کاهش تسهیلات مراقبت از کودک، بسیاری از زنان مجبور به ترک کار شده‌اند. اما آنچه ماهیت فقر در این منطقه را با بیشتر کشورهای در حال توسعه متفاوت می‌سازد، فقر کشورهایی در این منطقه است که زمانی در سایهٔ سوسیالیسم توانستند طبقهٔ متوسط متخصصی به وجود آورند.

تعداد زیادی از دانشمندان، مهندسان و سایر متخصصان با تحصیلات عالی که پیش از این اعتبار و منزلتی داشتند و اکنون در استخدام موسسات همگانی هستند، به طبقهٔ فقرا پیوسته‌اند و از شانس کمی برای انتقال تخصص‌هایشان به نظام بازار و عضویت در طبقهٔ "کارفرمایان" برخوردارند. این طبقهٔ حاشیه‌نشین و خنثی که زمانی حامی دموکراسی بود اکنون به احتمال زیاد جزو

در بلوک شرق سابق، دولت مرکزی قدرتمند فقر را با ساز و کارهای توزیع مجدد ثروت واقعاً از بین برده بود. اما به محض وقوع تغییرات سیاسی در منطقه این پدیده به صورتی وحشتناک به آنجا بازگشت. حتی طبقهٔ متوسط سابق اکنون جزو فقرا محسوب می‌شوند. در پهنهٔ گستردهٔ از لحاظ قومی متنوع اتحاد شوروی سابق (*FSU*) و اروپای شرقی، توقف برنامه‌ریزی مرکزی و در بسیاری موارد، نبود نهادهای مؤثر دولتی، که به عنوان ضربه‌گیر عمل می‌کردند، منجر به شدیدترین نوع فقر و بدترین واژگونگی رفاهی در دنیا شده است.

بر اساس انگلیایهٔ (*benchmark*) چهار دلار در روز که حداقل لازم برای ادامهٔ زندگی است، تعداد فقرا در هفت سال اخیر به ۱۵۰ میلیون نفر رسیده است. یعنی رقمی بیش از کل جمعیت فرانسه، بریتانیا، هلند و اسکاتلندیناوی. تخمین زده می‌شود از ۱۹۹۸ زمان بحران‌های مالی روسیه، تعداد فقرا به بیش از بیست میلیون نفر رسیده باشد. افزون بر این در این دههٔ "فقر یک دلار برای یک روز" دوباره مشاهده می‌شود. در رومانی و بلغارستان [سطح زندگی] پنج درصد مردم زیر این حد است. کشورهای بلوک شرق سابق تنها کشورهایی در جهان هستند که از آغاز دههٔ حاضر تاکنون کاهش درآمد ملی داشته‌اند. در بعضی موارد این کاهش تا ۶۰ درصد بوده است. سرزمینی که در نظام پیشین به هیچ وجه دچار تورم نمی‌شد ناگهان؛ شدیدترین بی‌ثباتی قیمت‌ها و گاه با افزایشی بالغ بر ۵۰۰ درصد در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ روبه‌رو شد.

این منطقه همچنین تنها منطقه‌ای در جهان است که امید به زندگی در آنجا کاهش یافته است. در فدراسیون

در سال ۱۹۶۰ درآمد

۲۰٪ از مردم جهان که

در کشورهای هرفه

زندگی می‌کردند ۳۰ برابر

درآمد ۲۰٪ فقرا بود -

این میزان تا ۱۹۹۵

به ۸۲ برابر رسید.